**بسم الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب:**

[حد مسکر 2](#_Toc427884114)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc427884115)

[مستند حد در نبیذ 2](#_Toc427884116)

[بررسی سندی روایت 3](#_Toc427884117)

[موضوع روایت 3](#_Toc427884118)

[حجیت قول ذو الید 4](#_Toc427884119)

[اختلاف نسخ در این حدیث 4](#_Toc427884120)

[پاسخ از روایت فوق 5](#_Toc427884121)

[تعارض در این مقام 5](#_Toc427884122)

[ضابطیت در کافی شریف 5](#_Toc427884123)

[نتیجه‌گیری 6](#_Toc427884124)

# حد مسکر

# مرور بحث گذشته

در مسئله دوم بحث عصیر نبیذ بود و اشاره به این شد که در عصیر نبیذ قبل ذهاب ثلثین قبل از انقلاب شرب آن نجس و حرام است، این در بحث طهارت و بحث اطعمه و اشربه ثابت شده بود و تقریباً مورد وفاق است که عصیر نبیذ وقتی که قبل از اینکه ذهاب ثلثین باشد یا منقلب به خل بشود، حرام و نجس است. آنچه در اینجا محل بحث بود، این بود که آیا عصیر نبیذ علاوه بر نجاست و حرمت که مسلم است، موجب هم است یا نیست؟

این مسئله‌ای بود که در اینجا مطرح شده است. پس بحث ما در عصیر نبیذ قبل ذهاب ثلثین است که اگر آشامیده شد موجب حد است یا حد نیست؟ بحث طهارت و نجاست در حرمت شربش محل تأمل و تردید نیست، مسلم هم حرام و هم نجس است.

## مستند حد در نبیذ

تنها دلیلی که ذکر شده برای اینکه علاوه بر نجاست و حرمت ، حد هم بر آن ثابت است، روایتی است که در وسائل جلد هفده، کتاب اطعمه و اشربه، ابواب اشربه محرمه، باب هفت، حدیث چهارم و صفحه دویست و سی‌وچهار ذکر شده است. برخلاف آنچه گفتیم نجاست و حرمت که ادله متعددی دارد، حکم حد همین یک دلیل دارد. آن هم با مناقشاتی که ملاحظه خواهید کرد، روبه‌روست .

این باب مربوط به حد نیست، باب تحریم عصیر است. یعنی اینکه عصیر قبل ذهاب ثلثین اکلش حرام است. و روایت دیگری غیر از این روایت چهارم وجود دارد که قبل ذهاب ثلثین شربش حرام است.

تقریباً مورد اتفاق است که قبل ذهاب ثلثین و قبل انقلاب به خل نجس و حرام است، روایات نجاستش در کتاب طهاره آمده است. روایات حرمت شربش هم در این باب و سایر ابواب اطعمه و اشربه محرمه آمده است. اما برای حد همین یک روایت است.

## بررسی سندی روایت

این روایت از کافی نقل شده و شیخ هم این را نقل کرده است. روایت در تهذیب نیز نقل شده است. سند کاملاً معتبر است.

**عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِالْحَقِّ يَأْتِينِي بِالْبُخْتُجِ وَ يَقُولُ قَدْ طُبِخَ عَلَى الثُّلُثِ وَ أَنَا أَعْرِفُ أَنَّهُ يَشْرَبُهُ عَلَى النِّصْفِ...»[[1]](#footnote-1)**

## موضوع روایت

کسی از شیعه برای من ظرفی از عصیر عنبی که پخته شده است، می‌آورد و به من می‌گوید این پخته شده در حد ثلث است یعنی این را پختند و جوشاندند که دو ثلث آن زایل شده است و ثلثش باقی مانده است. برای اینکه من مطمئن بشوم به اینکه این حلال است و مشکلی در آن نیست.

اما درعین‌حال من می‌دانم که این‌طور نیست، او مقید نیست این را بجوشاند تا ذهاب ثلثین شود. بلکه در حد نصف که زایل بشود، آن را می‌خورد .آیا من می‌توانم به قول او اعتماد کنم، درحالی‌که خودش به علی النصف شرب می‌کند؟

## حجیت قول ذوالید

در امور دیگر در طهارت و نجاست قول ذو الید مسلم حجت است. در سایر اقوال محل بحث است، ولی بسیاری می‌گویند، در بعضی از موارد دیگر مانند اکل و شرب معتبر است.

منتها این ذو الید حالت لاابالی‌گری دارد. آیا می‌شود به قول ذو الید در اینجا هم اعتماد کرد یا نه؟ درواقع این قاعده کلی است که قول ذو الید در کجا و تا چه اندازه حجت است؟ اگر ذوالیدی ثقه باشد یا حداقل علم به خلاف او نیست ، این حجت است؟

## اختلاف نسخ در این حدیث

در نسخه مرحوم کلینی که در این وسایل نسخه مرحوم کلینی نقل شده است، کلمه خمر نیامده است. پس در نسخه مرحوم شیخ در پاسخ به این سؤال، خمر ذکر شده است ،اما در نسخه مرحوم کلینی که در وسائل هم از آن نقل شده، خمر ندارد، فقط یک جمله دارد که حضرت می‌فرماید آن را ننوش. طبق نقل کلینی، می‌گوید این عصیر عنبی نازل ‌منزله خمر است ، لذا بر ادله‌ای که احکام خمر را ذکر کرده است حکومت دارد. این نوعی حکومت توسعی است که دلیل حاکم نسبت به محکوم گاهی تضییق پیدا می‌کند، گاهی توسعه می‌یابد.

جواب امام اگر خمر نداشته باشد، اصلاً بحثی ندارد. امام یک نکته را پاسخ داده است و یک مطلب را افاده می‌کند که اعتماد به قول ذو الید تا جایی است که لاابالی نباشد. اما اگر کلمه خمر داشته باشد، جواب امام می‌گوید این ذو الید قولش اعتماد ندارد و اینکه برای خمر حکومت درست می‌شود.

## پاسخ از روایت فوق

یک جواب این است که اینجا اختلاف نسخه است. و اختلاف نسخه که باشد دیگر نمی‌شود اعتماد کرد که بالاخره خمر در کلام بوده یا نبوده است؟ منتها اینکه اختلاف نسخه که شد آیا تعارض می‌کنند یا اینکه در اختلاف نسخ مرجحاتی وجود دارد کما اینکه چند مورد را ذکر کردیم.

علی‌القاعده یک مرجحاتی وجود دارد که اگر آن‌ها باشد ترجیح پیدا می‌کند. لذا در اینجا دو مرجح وجود دارد، نسخه شیخ که می‌گوید خمر هست مرجح آن این است، که اصل عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه مقدم است. توضیح مسئله این است که وقتی روایتی نقل می‌شود، عقلا می‌گویند اصل این است که راوی ثقه است، چیزی اضافه نکرده است، چنانکه می‌گویند چیزی کم نکرده است.

## تعارض در این مقام

منتها اگر در جایی دو نسخه پیدا شود، یکی بگوید فرض خمر را بیاورد، دیگری قائل شود نیاورد، شک می‌کنیم که آیا آن نسخه‌ای که در تهذیب آمده است و خمر دارد، چیزی اضافه کرده است ؟ یا اینکه آن نسخه که نیاورده، چیزی را ساقط کرده است؟ درواقع امر ، بین اصل عدم زیاده و اصل عدم نقیصه تعارض پیدا می‌شود.

در اختلاف‌ها می‌گویند اصل عدم زیاده همیشه مقدم است، چراکه اضافه کردن مؤونه‌ای می‌خواهد که کمتر در نقل‌ها جریان دارد ، ولی کاهش و افتادگی خیلی بیشتر است.

## ضابطیت در کافی شریف

اصولاً بین مرحوم کلینی و تااندازه‌ای مرحوم صدوق با مرحوم شیخ به لحاظ ضبط نسخه فرق بسیاری است. علتش این است که فقها گفتند علی‌رغم جلالت مقام مرحوم شیخ و خدمات و آثاری که انجام داده است ،. اما به لحاظ اینکه مرحوم شیخ طوسی فرد پرکار و ذو مشاغل کثیره بوده است. آدم پرکاری بوده است از ضبطیت کمتری برخوردار است.

## نتیجه‌گیری

درمجموع یا می‌گوییم مرجحات در اینجا تعارض و تساقط می‌کنند. بازهم کلمه خمر ثابت نمی‌شود. یا این‌که می‌گوییم مرجح اضبطیت کافی مقدم بر مرجح آن طرف است و آن‌وقت کلمه خمر ثابت نمی‌شود.پس از هر مسیری برویم به یک نتیجه می‌رسیم و آن این است که کلمه خمر در کلام امام برای ما ثابت نیست.

در اینجا حتی اگر اضبطیت کلینی را قبول نکنیم و بگوییم اصل عدم زیاده مقدم است و بنابراین کلمه خمر اینجا هست اما در موارد دیگر نمی‌توانیم آن را قبول کنیم. چون تدرع الحدود در اینجا اخذ به طرف مقابل را تقویت می‌کند.

1. **- وسائل الشيعة، ج‏25، ص: 293.** [↑](#footnote-ref-1)